



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من هم میلاد با سعادت نبی معظم اسلام، حضرت محمد مصطفی (صلي الله عليه واله وسلم) و همچنین ولادت سلاله‌ی مطهر ایشان، حضرت صادق (عليه الصلاه والسلام) را به همهی مسلمانان عالم و به ملت بزرگوار و عزیز ایران و به شما عزیزان حاضر در این مجلس، تبریک عرض می‌کنم.

نام مقدس پیامبر (ص) یکی از پرجاذبه‌ترین پدیده‌های اسلامی برای کلیه‌ی مسلمانان عالم است؛ چون مسأله، مسأله‌ی عاطفه و ایمان با هم است. لذا قوت عملکرد این یاد و این نام برای صحنه‌های مربوط به مسلمین، از بسیاری از پدیده‌های دیگر اسلامی که فقط بر ایمان متکی است و عواطف در آن نقشی ندارد، بیشتر است. به همین خاطر، بعضی از متفکران بزرگ عالم اسلام، در دوره‌ی قبل از ما گفته‌اند که محور وحدت مسلمین و اتحاد عملی آنها، می‌تواند نام مقدس این بزرگوار و ایمان به آن حضرت و یاد آن نبی معظم باشد. این، حرف درستی است. خوشبختانه امسال این مراسم، با اعلام رسمی تشکیل "مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیه" - که برادران ما همت کردند و این کار شروع شد و باید ان شاء الله در جهت اهداف عالی‌هی اسلام حرکت کند - همراه است. در مسأله‌ی وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حایز اهمیتند. وقتی ما شعار وحدت را می‌دهیم، این دو نکته‌ی اساسی باید مورد توجه ما باشد و همین‌هاست که برای زندگی عملی مسلمین، کارساز است:

یکی از این دو نکته، عبارت از رفع اختلافات و تناقضها و درگیریها و تضادها و کارشکنیهاست که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمین وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمین تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمام و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارضها و تناقضها، به دستگاه‌های قدرت مادی برمی‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهید دید که از اختلافات اولیه - یعنی مسأله‌ی خلق قرآن و امثال آن - تا بقیه‌ی اختلاف‌هایی که در طول زمان، بین فرق اسلامی - مخصوصاً در زمان‌های بیشتری بین شیعه و سنی - اتفاق افتاده است، تقریباً سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرتهاست. البته جهالت‌های عمومی و تعصب‌های غیرمتکی به منطق و تحریک احساسات یکدیگر اثر دارد، اما اینها زمینه است و هیچ‌کدام، آن حوادث خونین بزرگی را که ما در تاریخ مشاهده می‌کنیم، به وجود نمی‌آورد. آن حوادث بزرگ، به دستگاه ارباب قدرت برمی‌گردد که از این اختلاف، دنبال فایده‌ی می‌گشتند. استعمار که وارد کشورهای اسلامی شد - بعضی مستقیم و بعضی غیرمستقیم - واضح شد که او هم دنبال همین قضیه است.

رفتار بعضی از شخصیت‌های معروف اروپایی - چه سیاسی و چه فرهنگی - خیلی عبرت‌انگیز است. به مصر که می‌رفتند، یک‌طور صحبت می‌کردند؛ به باب عالی کشور عثمانی که می‌رفتند، یک‌طور صحبت می‌کردند؛ به ایران شیعی که می‌آمدند، طور دیگر صحبت می‌کردند. هدفشان هم به هم‌ریختن نظام وحدت بود که استعمار اروپا و سردمداران تمدن صنعتی، از آن می‌ترسیدند؛ حق هم داشتند که بترسند. کار خودشان را هم کردند و بین مسلمین، اختلاف عمیق و عجیبی را به وجود آوردند.

وحدتی که ما اعلام می‌کنیم و شعار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، اولین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارضها و تناقضها و اختلافها و درگیریها باشد، که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان و اولیا و عقلا، از آن خشنودند. باید مقدمات و زمینه‌های این کار فراهم بشود. اختلاف عقیدتی دارند، داشته باشند؛ اختلاف قومی دارند، داشته باشند؛ تغایر نژادی دارند، داشته باشند. اینها، مستلزم و مستوجب تنافس و تعارض و درگیری و جدال بین مسلمین نشود. باید همه مخلصانه کار کنند. علمای بزرگ، متفکران، روشنفکران، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، واقعا این را واجب الهی بدانند. این آیه‌ی شریفه‌ی قرآن: "واعتصموا



بحبل الله جميعا" و آيات ديگر، خطاب به ما و همه ي مسلمين در مقابل دشمنان اسلام است. به اين آيات عمل كنيم.

پيشتر سمام سمنام رسبري
www.leader.ir

نكته ي دوم اين است كه اين وحدت بايد در خدمت و در جهت حاكميت اسلام باشد؛ والا پوچ و بي معني خواهد بود. اگر علماي اسلام قبول مي كنند كه قرآن فرموده است: "و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله"، پيامبر نيامد كه نصيحتي بكند، حرفي بزند، مردم هم كار خودشان را بكنند و به او هم احترام مي بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگيرد، جامعه و زندگي را هدايت كند، نظام را تشكيل بدهد و انسانها را به سمت اهداف زندگي درست پيش ببرد. اگر علماي اسلام قبول دارند كه قرآن كريم مي فرمايد: "لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقيموا الناس بالقسط"، اقامه ي قسط و عدل و رفع ظلم و ايجاد زندگي صحيح براي بشر، هدف اديان است، پس بايد حركت به سمت حاكميت اسلام باشد و حاكميت اسلام در كشورها و جوامع اسلامي، امري ممكن است.

پانزده سال قبل، ترديد بود كه آيا اصلا حاكميت اسلام، ممكن است يا نه؟ انقلاب اسلامي، تشكيل نظام اسلامي در ايران، حركت حياتبخش و عظيم امام (رضوان الله تعالي عليه)، قدرتي كه آن مرد الهي و ملكوتي، در مقابل قدرتهاي مادي از خود نشان داد و ثابت كرد كه قدرت دين و معنويت، از قدرت ماديت و پول و سلاح بيشتري است، بايد ترديد را از ذهنها زدوده باشد. بله، تشكيل نظام اسلامي در اقطار عالم اسلامي، امري ممكن است.

البته جامعه ي اسلامي و حكومت اسلامي، در دسرهائي دارد. زندگي، در دسر دارد. زندگي بي در دسر در دنيا كه ممكن نيست. اين در دسر، بهاي چيست؟ اگر بهاي آزادي و استقلال و عزت و قرب به خدا و عمل به احكام و تعاليم اسلامي است، باشد. نظام جمهوري اسلامي، اين دوازده سال را با عزت و عظمت و قدرت ايستاد، مبارزه كرد و طبيعتا مشكلاتي هم داشت. كشورهايي هم بودند كه در ظل سنگين و ناميمون حكومت و نفوذ قدرتهاي خارجي زندگي كردند. مگر مردم آنها، كمتر از ملت ايران مشكل و در دسر داشتند؟ اگر بيشتري نداشتند، كمتر نداشتند. تازه در مقابل چه چيزي مشكلات داشتند؟ در مقابل اين كه امروز را به شب برسانند، شب را به صبح برسانند و زندگي روزمره و بي هدف و بي عزت و بي نور خود را سپري كنند. در دسرهائي جمهوري اسلامي، همان در دسرهائي است كه نبي مكرم اسلام (صلي الله عليه و اله و سلم) در طول حكومت مبارك خود تحمل كرد. تبليغات و محاصره و تهاجم دشمن بود، ولي از اينها پيروز بيرون آمد؛ ما هم پيروز بيرون آمديم.

البته دشمنان نمي خواهند دست بردارند و به همين خاطر، اين سنگ پراني را مي كنند. اين حركتي است كه كاروان اسلام مي كند و از پشت سر، سنگي هم پرتاب مي كنند كه ساق پايي را هم مجروح خواهد كرد؛ ولي جلوي راه را نمي توانند بگيرند. در طول اين دوازده سال، دشمنان عليه ما تبليغ كردند؛ سعي نمودند كه چهره ي زشتي از اسلام و نظام جمهوري اسلامي نشان دهند؛ تلاش كردند كه چيزهايي را قلب كنند و مجعولاتي را در بين مردم دنيا منتشر نمايند؛ ولي واقعيتهها غير از اينهاست. واقعيت، عبارت از يك كشور قوي مصمم بزرگ آباد رو به آبادي هرچه بيشتري در زير سايه ي اسلام و به سمت عدل اسلامي و عزت و قدرت ناشي از اعلاي كلمه ي اسلام و مورد توجه و تعطف عامه ي مسلمين در اكناف عالم است. حالا دشمن تبليغي هم بكنند، حرف بي ريطي هم بزند، تعرضي هم بكنند، يك جا يك نيش اقتصادي يا سياسي هم بزند، چه تأثيري مي كند؟ دايم از اين كارها كردند، باز هم مي كنند.

دو نفر برادر در جمهوري اسلامي، سر قضيه يي با هم مجادله ي لفظي مي كنند كه خيلي چيز عادي است و نبودنش عجيب و مابه ي بهت و سوءظن است و ناشي از خمودگي خواهد بود. سر قضيه يي خبرگان، سر قضيه يي امور سياسي، سر قضيه يي امور اقتصادي، برادران در مجلس و در جاي ديگر مي ايستند، يكي اين مي گويد، يكي آن مي گويد. اختلاف نظر و مجادله، براي پيدا كردن حق است. گفتگو، براي روشن شدن راه است. هر كدام، نظر خودشان را بيان مي كنند. هيچ چيزي هم نيست، برادر هم هستند. هر كس هم كه مي خواهد امتحان كند، امتحان كند. اندك تعرضي به نظام جمهوري اسلامي بشود، همين برادراني كه سر قضيه يي با هم مجادله مي كنند، دست در دست هم، مشتها گره كرده، به استقبال خطر خواهند رفت، تا از اسلام و نظام اسلامي دفاع كنند.

همين مجادله و مناقشه ي برادرانه را ببينيد، راديوها جنجالي درست مي كنند كه حادثه يي مهمي در جريان است!! نخير، آن حادثه يي كه در ايران در جريان است، عبارت از تصميم قاطع ملت ايران به تعقيب اهداف نظام اسلامي



است؛ آن چنانی که امام عزیز ما ترسیم کرده‌اند. آن حادثه‌یی که در ایران در حال انجام است، ان شاء الله حرکت سریعتر و دقیقتر به سمت هدفهای اسلامی است. آن حوادثی که آنها و دل‌های کین‌ورز و مریض می‌خواهند، از محیط اسلامی ما بحمدالله دور بوده و دور خواهد ماند. اینها درس‌های نظام اسلامی است؛ اینها چیزی نیست. اگر در جوامع و کشورهای اسلامی، علما و روشنفکران و متفکران و بزرگان و پیشگامان وحدت، جهت حرکتشان به سمت حاکمیت اسلام باشد، این حرکت، حرکت موفق است؛ والا اگر این‌طور نباشد و در مقابل حاکمیت طواغیت و کفار و حکومت‌های سرسپرده و بی‌عرضه، تابع و تسلیم باشند، معلوم است که وحدت تضمینی نخواهد داشت. شما از این طرف، شعار وحدت بدهید، جوش بزنید، غصه بخورید؛ از آن طرف، پول‌های به ناحق بذل و خرج شده و یک عده آدم سست‌عنصر قلم‌به‌مزد نوک‌رصف هم پیدا می‌شوند و اندوخته‌های شما را به باد خواهند داد و رشته‌ها را پنبه خواهند کرد. این "مجمع‌التقريب بين المذاهب الاسلاميه" که ما این‌جا درصدد هستیم و برادران ما همت کردند - و من از کسانی که همکاری کردند و خواهند کرد، صمیمانه متشکرم - باید زمینه‌های تقرب را در جنبه‌های اعتقادی، کلامی، فکری، فقهی، اصولی و علمی فراهم بکند؛ لیکن آن هدف اساسی باید به یاد متفکران اسلام باشد. دشمنان اسلام، این را نمی‌خواهند؛ اما آنچه که خدا می‌خواهد، آن خواهد شد. "والله غالب علی امره".

امیدواریم که خداوند متعال آقایان را مشمول توفیق و رحمت و فضل خود قرار بدهد. ما را در راه اسلام و خدمت به اهداف اسلامی، توفیق ادامه‌ی راه بدهد. روح مقدس امام بزرگوارمان را از آنچه می‌گذرد، شاد و خشنود بفرماید و ما را مشمول دعا و رضای ولی‌عصر (ارواح‌نافداه) قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته